

ماجرای اسنپ‌بک درس‌های سیاسی فراوانی داشت؛ حال سؤال مهم این است چطور می‌توان از رابطه با چین و روسیه منافع ملی را حداکثری کرد

شکست منطق شرق‌ستیزها



فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط دولت‌های اروپایی در ششم شهر یور که به احیای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران منجر شد، در نگاه اول می‌تواند

به عنوان یک تهدید جدی برای اقتصاد و امنیت ملی کشور تلقی شود. اما بررسی دقیق‌تر تحولات دیپلماتیک اخیر، به ویژه موضع‌گیری‌های چین و روسیه، نشان می‌دهد که این رویداد نه تنها انزوای ایران را تشدید نمی‌کند، بلکه در پیچه‌ای برای تقویت روابط با بلوک‌های نو ظهور قدرت باز می‌کند، مشروط بر اینکه مقامات کشورمان بتوانند با مزوج کردن دیپلماسی و اقدامات عملی، از این ظرفیت استفاده کنند. ده سال بعد از انعقاد برجام و کوتاهی‌هایی که در توسعه روابط با شرق در دهه ۹۰ صورت گرفت آمریکا و اروپا با مکانیسم ماشه جواب خوبی به ایده غرب‌گرایی دادند و شرکای شرقی نیز با غیرقانونی دانستن روند بازگشت تحریم‌ها و اعلام عدم تبعیت از آن مهری بر ایطال‌کنش‌های شرق‌ستیزانه زدند. این موضع‌گیری‌ها همراه با گسترش مراودات با هند و دیگر شرکای منطقه‌ای، بستری برای خنثی‌سازی اثرات تحریم فراهم می‌آورد و جهان را به سمت بلوک‌های موازی سوق می‌دهد.

■ ■ ■

■ **پالس عدم اجرای قطعنامه‌های تحریمی داده‌شد**

پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، چین و روسیه با انتشار نامه‌ای مشترک با ایران خطاب به دبیرکل سازمان ملل و اعضای شورای امنیت، روند احیای تحریم‌ها را به لحاظ حقوقی رد کرده‌اند. این نامه مشترک که پیش از رأی‌گیری‌های اخیر در شورای امنیت ارسال شد، تأکید می‌کند اعلان سه

کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) برخلاف رویه‌های مندرج در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ است و فاقد مبنای حقوقی لازم است، بنابراین باید باطل و بلااثر تلقی شود. این موضع‌گیری، فراتر از یک اعتراض دیپلماتیک، پیامی صریح به شوروی امنیت و دولت‌های غربی می‌فرستد مبنی بر اینکه بازگشت تحریم‌ها فاقد مشروعیت حقوقی است و این دو قدرت، خود را ملزم به اجرای آن نمی‌دانند. واسیلی نینزیا، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل، پیش از رأی‌گیری درباره قطعنامه پیشنهادی کره جنوبی، صراحتاً اعلام کرده سه کشور اروپایی هیچ حقی برای اجرای کردن مکانیسم ماشه ندارند. او اقدام اروپایی‌ها را به رسمیت نشناخت و آن را ابزاری برای نیت‌های بدخواهانه توصیف کرد. نماینده چین نیز پیش از همان رأی‌گیری، تصمیم اروپایی‌ها را عجولانه خواند و بر نقض رویه‌های حقوقی تأکید کرد.

پس از قطعنامه پیشنهادی کره جنوبی، قطعنامه پیشنهادی روسیه نیز رأی نیاورد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در سخنرانی خود در هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، استفاده اروپایی‌ها از مکانیسم ماشه را غیرقانونی خواند. او با اشاره به پیشنهاد مسکو و یکن برای تعویق مکانیسم، غربی‌ها را به عدم تمایل به دیپلماسی متهم و تأکید کرد: «روسیه تحریم‌ها علیه ایران را غیرقانونی می‌داند.» این موضع‌گیری‌ها، تغییر جهت چین و روسیه نسبت به نهادهای بین‌المللی را پررنگ می‌کند و پیامی روشن به شورای امنیت می‌فرستد. این دو کشور، بازگشت تحریم‌ها را غیرقانونی می‌دانند و پالس عدم اجرای آن را با صراحت می‌دهند. چنین رویکردی نه تنها اثرات تحریم‌های ضدایرانی را کاهش می‌دهد، بلکه کشور‌های بیشتری را ترغیب می‌کند تا از چهارچوب‌های سنتی قدرت

محسن پاک‌آیین، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دنای وسیعی از فرصت‌ها پیش روی ایران پس‌ا ماشه قرار دارد

فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به‌جای محدودیت، در پیچه‌ای از فرصت‌های نوین دیپلماتیک را پیش روی ایران گشوده است. محسن پاک‌آیین، دیپلمات گسابقه و کارشناس مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تأکید کرد که این شرایط، فضایی منحصر به‌فرد برای تقویت روابط ایران با کشور‌های دوست، به‌ویژه در شرق سیاسی و جنوب جهانی، فراهم آورده و با تمرکز بر همکاری با قدرت‌هایی مانند چین، روسیه و همسایگان منطقه‌ای، ایران می‌تواند جایگاه خود را در نظم نوین جهانی مستحکم‌تر کند.

■ ■ ■

فعال‌سازی مکانیسم ماشه چه اثری بر مراودات ایران با کشور‌های خارج از بلوک غرب می‌گذارد؟

فعال شدن مکانیسم ماشه فضای جدیدی برای دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده و فرصت‌های گسترده‌تری برای فعالیت‌های دیپلماتیک فراهم آورده است. این فضا به‌ویژه برای تقویت روابط با کشور‌های دوست و متحدانی که در دوران تحریم‌های غرب در کنار ایران ایستادگی کردند و از ما حمایت نمودند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این کشور‌ها ظرفیت عظیمی برای همکاری‌های آینده ایران محسوب می‌شوند که می‌توان از آن‌ها به نحو مؤثری بهره‌برداری کرد. این شرایط می‌تواند به ایران کمک کند تا از فرصت‌های موجود استفاده کرده و ارتباطات خود را با شرق تقویت کند. منظور از شرق، نه‌تنها شرق جغرافیایی و کشور‌های شرق آسیا، بلکه شرق سیاسی است؛ یعنی کشور‌هایی که با غرب اختلافات اساسی دارند. درواقع، شاید تعبیر «جنوب جهانی» مناسب‌تر باشد. در این چهارچوب، ایران ظرفیت‌های فراوانی برای همکاری با این کشور‌ها دارد. ما از موضع خاصی که درگیر آن بودیم، یعنی مذاکرات هسته‌ای که وقت و انرژی زیادی از ما گرفت، رها شده‌ایم. دیگر با سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه، و انگلیس) تعامل مستقیمی نداریم. اگر قرار باشد با اروپا ارتباطی برقرار کنیم، با این ارتباط با کشور‌هایی غیر از این سه کشور خواهد بود. همچنین، با آمریکا از ابتدا هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی نداشته‌ایم.

وقتی این بازیگران را از دایره سیاست خارجی خود حذف کنیم، متوجه می‌شویم که دنیای وسیعی از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها پیش روی ماست که شاید تاکنون از آن‌ها غفلت کرده‌ایم یا کمتر به آن‌ها توجه نشان داده‌ایم. من اعتقاد دارم که حتی نباید به تماس‌های برخی کشور‌های اروپایی که پس از سال‌ها خصومت و خیانت در دیپلماسی با ایران رفتار کرده‌اند، پاسخ داد. در این صورت می‌توانیم از این مرحله عبور کنیم و با استفاده از ظرفیت‌های موجود، جایگاه خود را در نظم جهانی جدید

فاصله بگیرند و برتری هژمونیک آمریکا را تضعیف کنند.

■ **گسترش افق‌های اقتصادی و سیاسی**

حجم زیادی از تجارت ایران، به ویژه در حوزه انرژی، با بلوک شرقی بوده و عدم تعهد چین و روسیه به تحریم‌ها، اثرات آن را محدود می‌کند. اجماع تحریمی گذشته، صادرات نفت ایران را از بیش از دو میلیون بشکه در سال ۲۰۰۵ به حدود ۳۰۰ هزار بشکه در اواخر دهه ۹۰ شمس کاهش داد، اما شکستن انزوا از طریق مراودات با متحدان شرقی، ایران را قادر ساخت تا در سال ۱۴۰۳، علی‌رغم تحریم‌های ثانویه، صادرات نفت خود را به یک و نیم میلیون بشکه در روز برساند. بخش عمده این صادرات، سهم چین به عنوان بزرگ‌ترین مقصد انرژی خاورمیانه است. همچنین هم‌زمان با اعلام رسمی فعال‌سازی مکانیسم ماشه یک خبر مهم دیگر در حوزه صادرات نفت منتشر شد مبنی بر اینکه هند نیز پس از هشت سال، واردات نفت از ایران را از سر گرفته است. در شرایطی که برخی کارشناسان توصیه می‌کنند برای ایجاد یک بازار رقابتی، بازار نفت نباید به چین محدود بماند، اضافه شدن قدرت‌های اقتصادی همچون هند به جمع مشتریان ایران می‌تواند منفعت ایران از یکسک بازار رقابتی را تضمین کند. این اقدام این پیام واضح را هم به غرب فرستاد که جهان ذیل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به تحریم‌ها تن نمی‌دهد.

■ **یک‌جانبه‌گرایی آمریکا**

روند متحدزدایی غرب را تسریع می‌کند

هند، پیش از این به مطالبه آمریکا برای عدم خرید نفت از روسیه پاسخ

بر این، کشور‌های شمال آفریقا که دارای جمعیت مسلمان هستند و همچنین دوستان ما در آمریکای لاتین و آفریقا، مجموعه‌ای از کشور‌های متعدد را تشکیل می‌دهند که می‌توانند در این دوره با هم همکاری کنند.

باوجود کارشنکی‌های غرب و تلاش آمریکا برای قطع همکاری کشور‌های مختلف با ایران چه نشانه‌هایی وجود دارد که نشان دهد ایران می‌تواند از پس فشارها برآمده و روابط خود را توسعه دهد؟ البته منظور من این نیست که باید به‌طور کامل از سنگ‌اندازی‌های غرب چشم‌پوشی کنیم؛ زیرا کشور‌های غربی پس از پیروزی انقلاب اسلامی هیچ‌گاه رو یکرد مثبتی نسبت به ایران نداشته‌اند و هرگز شریک قابل اعتمادی برای ما نبوده‌اند. بااین‌حال، می‌توانیم با تکیه بر کشور‌های دوست و نزدیک خود که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد و همچنین با بهره‌گیری از ظرفیت برخی اتحادیه‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، روابط خود را تقویت کنیم. سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس، سازمان همکاری اقتصادی اکو، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و جنبش عدم تعهد، ظرفیت‌های قابل توجهی برای همکاری دارند. در شرایط کنونی جهان، یک نظم جدید در حال شکل‌گیری است. این نظم جدید که به‌صورت تدریجی و مبتنی بر تحولات پیش‌بینی‌نشده جهانی در حال وقوع است، بر پایه چندجانبه‌گرایی بنا شده است. کشور‌هایی مانند ایالات متحده و برخی کشور‌های اروپایی به‌تدریج در مسیر یک‌جانبه‌گرایی ناکام خواهند ماند و نمی‌توانند ایده‌های خود را به دیگر کشور‌ها تحمیل کنند. در مقابل، کشور‌های طرفدار چندجانبه‌گرایی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به‌فرد خود که به‌عنوان حلقه اتصال میان شرق و غرب، مسیحیت و اسلام، و آسیا با اروپا و آفریقا عمل می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موقعیت، ایران را در حوزه‌های مختلف ازجمله تجارت و انرژی به کانون توجه کشور‌های دوست تبدیل کرده است. به اعتقاد من مکانیسم ماشه فرصتی برای ما ایجاد کرده تا از ظرفیت‌هایی که در طول دهه گذشته به دلیل تمرکز بیش‌ازحد بر موضوع برجام از آن‌ها غافل شده بودیم، دوباره استفاده کنیم. از این پس وظیفه دستگاه دیپلماسی کشور است که با طراحی‌های هوشمندانه و در چهارچوب اصول و حفظ استقلال نظام، این ظرفیت‌ها را فعال کرده و پیشبرد اهداف ملی را دنبال کند.

فارغ از چین و روسیه که به‌طور سنتی درباره لزوم همکاری آن‌ها صحبت می‌شود، شاهد تحولات جدیدی هستیم. به‌عنوان مثال،

هند که تحت فشار‌های ایالات متحده پروژه مشترک خود با ایران در بندر چابهار را برای مدتی متوقف کرده بود، اخیراً پس از هشت سال، خرید نفت از ایران را از سرگرفته است. این موضوع نشان‌دهنده امکان تحقق توزیع‌بخشی به مشتریان نفت ایران است که همواره

یکی از دغدغه‌های اصلی ما بوده است. این کشور‌ها تا چه حد قدرت دارند و چالش‌های آن‌ها با بلوک غرب تا چه میزان می‌تواند فضای مانور بیشتری برای ایران فراهم کند؟ آیا این چالش‌ها دامنی هستند یا به‌صورت مقطعی شکل می‌گیرند تا این کشور‌ها را یکدیگر امتیاز بگیرند؟ ممکن است گاهی این کشور‌ها با ایران همکاری کنند و گاهی همکاری خود را قطع کنند. این موضوع در روند عبور از نظم یک‌جانبه به نظم چندجانبه‌گرا چه تأثیری خواهد داشت؟

در روند گذار جهانی از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی، شاهد تقویت حاکمیت ملی در کشور‌های مختلف، حتی در کشور‌های کوچک هستیم. به عبارت دیگر، توجه به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی امروزه در کشور‌ها کاملاً اصالت یافته است. حتی کشور‌های کوچک در صورت مقاومت می‌توانند در برابر فشار‌های قدرت‌های بزرگ ایستادگی کنند. برای مثال، کشوری مانند پاناما در برابر تحریم‌های اولیه آمریکا مقاومت کرد و ایالات متحده علی‌رغم تهدیدات دونالد ترامپ مبنی بر الحاق تنگه پاناما به آمریکا، توانست اقدامی عملی انجام دهد. با کشور‌های کوچک دیگری مانند دومینیک، کاستاریکا و السالوادور که زمانی تحت فشار آمریکا روابط خود با چین را قطع کرده و با تایوان رابطه برقرار کردند، امروز بار دیگر به چین پیوسته‌اند. این روند در کشور‌های کوچک قابل‌توجه است و وقتی به کشور‌های بزرگ‌تر می‌رسیم، می‌بینیم که آن‌ها نیز زیر بار تحمیل‌های قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا نمی‌روند.

نکته دوم، تشدید اختلافات در میان کشور‌های غربی است. برای مثال در مجموعه ناتو، امروز بین آمریکا و سایر کشور‌های عضو، چه در زمینه حق عضویت کشور‌ها و چه در موضوع خاص اوکراین، اختلاف‌نظر‌های جدی وجود دارد. در داخل اتحادیه اروپا نیز اکثر کشور‌ها از پذیرش نفوذ نیروهای تندرو و رادیکال در سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس امتناع می‌ورزند و نوعی مقاومت در برابر این روند شکل گرفته است. حتی در مسائل جهانی مانند موضوع فلسطین و غرب آسیا، میان کشور‌های غربی وحدت‌نظر جدی وجود ندارد. این تفرقه و چنددستگی در اردوگاه غرب، همراه با جسارت روزافزون کشور‌ها برای حمایت از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود، موانع اصلی موفقیت یک‌جانبه‌گرایی هستند. از تمام این تحولات، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بهره‌برداری کند.

مسئله بازدارندگی و هراس از هر نوع عملیات غیرقابل پیش‌بینی بوده که باعث می‌شود اسرائیل همواره به لبنان و حزب‌الله به چشم بازدارنده قوی نگاه کند. از دید تحلیلگران امنیتی اسرائیل، یکی از ضروریات راهبرد بازدارندگی، بالا بردن هزینه عملیات علیه سرزمین‌های اشغالی است. اگرچه رژیم صهیونیستی در صحنه رسانه با ترور شهید سیدحسن نصرالله خود را پیروز این نبرد معرفی می‌کند اما از نقطه نظر کارشناسان امنیتی با ترور دبیرکل حزب‌الله لبنان سطح امنیتی جنگ فقط بالاتر رفته و هیچ بازدارندگی ایجاد نشده است و در زمان بسیار کوتاهی حملات علیه اسرائیل با شدت بیشتری آغاز خواهد شد.

شهادت سیدحسن نصرالله برای رژیم صهیونیستی پیروزی تاکتیکی با هدف ایجاد بازدارندگی به حساب آمد، اما بالاترین این هزینه نبرد فقط در ترازوی حزب‌الله نشست و دو هفته ترازو را تحت تأثیر قرار داد. اگرچه ترور سیدحسن برای اسرائیل ابراز توان و نفوذ اطلاعاتی بود. اما مسئله بازسازی سازمانی و تاب‌آوری هویتی حزب‌الله لبنان و هزینه‌های سیاسی – انسانی چرخه تشدید همچنان با برجامست. از این رو ادبیات سیاست‌گذاری نزدیک به گفت‌مان رژیم صهیونیستی راهبرد ترکیبی فشار، بازدارندگی، اطلاعات را توصیه می‌کند و بر این باور است در کنار این راهبرد باید اثرات جانبی انسجام جبهه مقاومت و فرسایش مشروعیت بین‌المللی به دقت تحت رصد قرار گیرد.

هدف قرار دادن رهبران ارشد دیده شد با این امید که پس از ترور رهبران کلیدی، در خلأ فرماندهی حزب‌الله کادر‌های پایین دچار لرزل شوند. اینگونه راهبردها و همچنین ضرباتی که حزب‌الله در دوران دیرکلی سیدحسن نصرالله به رژیم صهیونیستی در دفاع از لبنان و فلسطین وارد آورده بود، سبب شد تا طرح‌ریزی ترور شهید سیدحسن نصرالله به صحنه عملیات آورده شود.

در ادامه راهبردهای رژیم صهیونیستی در برابر جبهه مقاومت اسلامی لبنان، دفاع گفت‌مان امنیتی رژیم صهیونیستی از استنزاف تدریجی می‌شد. آن چیزی که به هدف قرار دادن مراکز تولید مویشک‌های نقطه‌زن و انبار مویشک‌ها و اختلال در زنجیره تأمین منجر شد. استراتژی صهیونیست‌ها در اجرای این طرح با این تصور همراه است که با چنین اقداماتی و در نبود فرماندهی مقتدر در حزب‌الله لبنان، این جنبش در شرایط خوبی نخواهد ماند و این یک فرصت طلایی به حساب می‌آید. این جنبش شده اما هم اکنون بعد از گذشت یک سال از شهادت سیدحسن نصرالله شاهد آن هستیم که اگرچه شکاف‌های اندکی در جایگزینی کاریز ما وجود دارد، اما زیر ساخت و هسته فرماندهی آن در حال تجدید قوا و تطبیق امنیتی است. در شرایط حاضر و پس از تحولات اخیر منطقه آنچه بیش از هر موضوع دیگری برای رژیم صهیونیستی دغدغه و مسئله امنیتی به حساب می‌آید،

فرماندهی و کنترل و پیوندهای خارج از لبنان مانند تهران و دمشق داشت. بنابراین هدف‌گذاری بر شخص او به فقط حذف یک فرمانده بلکه تلاشی برای ایجاد اختلال در سیستم فرماندهی و کنترل منطقه بوده است. از منظر کارگزاران رژیم صهیونیستی ترور سیدحسن نصرالله، تسو به حساب با طراح اصلی حملات علیه رژیم صهیونیستی و ایجاد گروه‌های مقاومت در حمایت از فلسطین تلقی شد و در سطح راهبردی به عنوان نقطه عطف بازدارندگی به حساب می‌آمد.

جنگ اطلاعات و نفوذ فنی – انسانی محور کلیدی راهبرد اسرائیل علیه مقاومت اسلامی لبنان ارزیابی شده است. حملات زنجیره‌ای به تیجه‌ات ارتباطی حزب‌الله – حملات پیجری – در سپتامبر ۲۰۲۴ که به‌عنوان رخنه امنیتی بی سابقه توصیف شده در ادبیات خبری – تحلیلی به عنوان شاهی در عمق نفوذ رژیم صهیونیستی روایت شد و مستقیماً به موج حملات دقیق و هدفمند ترور فرماندهان حزب‌الله و در نهایت به عملیات ترور شهید سیدحسن نصرالله پیوند خورد. مقامات امنیتی اسرائیل به توانمندی اطلاعاتی خود و ضربات دقیق به کادر حزب‌الله باور داشته و یکی از باور‌های کلیدی آن‌ها آن بود که اگر بتوان سلسله فرماندهی حزب‌الله را مختل کرد – از طریق ترور، انفجار، نفوذ به شبکه ارتباطات، جاسوسی و فشار مستمر نظامی – می‌توان قدرت عملیاتی و انسجام حزب‌الله را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش داد. این خط فکری در پروژه‌های

مرتضی غسنفرپور
کارشناس مسائل منطقه

شهید سیدحسن نصرالله، دبیرکل فقید حزب‌الله لبنان کانون هویت عملیاتی و نماد سیاسی شبکه مقاومت اسلامی لبنان بوده که در یک هدف مشترک و همراه با انقلاب اسلامی ایران در لبنان عمل کرده است. پس از عملیات ترور هدفمند ایشان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ در ضاحیه جنوبی بیروت در منطقه حاره حریک، سیاست اعلامی و اجرایی رژیم صهیونیستی مبتنی بر سه محور راهبردی قطع سر، به معنی درهم ریختن فرماندهی و کنترل، تعمیق بازدارندگی همراه با فشار مستمر و استنزاف لجستیکی و تکیه بررنگ بر جنگ اطلاعاتی بیش از پیش متبلور شد. از نگاه مقامات صهیونیستی، شهید سیدحسن نصرالله به عنوان نقطه مرکزی قدرت و نفوذ حزب‌الله در لبنان و یکی از بازیگران کلیدی معادلات در منطقه تلقی می‌شد. برای رژیم صهیونیستی، او نه صرفاً رهبر یک جنبش سیاسی – نظامی، بلکه نماد مقاومت، ستون ارکان راهبرد امنیتی منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران و یک نقطه فشار حیاتی بوده است.

در خواش مبتنی بر ادبیات مقامات صهیونیستی، شهید سیدحسن نصرالله یک اتصال‌دهنده شبکه‌های مقاومت اسلامی در منطقه به حساب می‌آمد و به همین خاطر او را منظر اسرائیلی‌ها اثر سیستمی بر هویت، بسیج منابع،

فرهنگ‌یختگان

فرهنگ‌یختگان

فرهنگ‌یختگان


دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴


شماره ۴۵۱۷


FARHIKHTEGANDAILY.COM


FARHIKHTEGANONLINE


دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴


شماره ۴۵۱۷


FARHIKHTEGANDAILY.COM


FARHIKHTEGANONLINE


دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴


شماره ۴۵۱۷


FARHIKHTEGANDAILY.COM


FARHIKHTEGANONLINE


دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴


شماره ۴۵۱۷


FARHIKHTEGANDAILY.COM


FARHIKHTEGANONLINE